

آشنایی با حقوق خانواده

صادق فرازی

دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی

عضو هیئت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی

خانواده رکن طبیعی و اساس اجتماع^۱ و واحد بنیادی جامعه اسلامی است^۲ و در حفظ و گسترش قدرت ملی نقش مؤثری ایفاء می‌کند. بین قدرت ملی و خانواده رابطه‌ای وثیق وجود دارد و سستی و تباهی خانواده، انحطاط ملت را دنبال می‌آورد؛ چنان‌که «ژوسران»^۳ دانشمند بزرگ فرانسوی می‌گوید:

تاریخ به ما می‌آموزد که تواناترین ملتها ملتی بوده‌اند که خانواده در آنها قوی‌ترین سازمان را داشته است. و نیز تاریخ از سستی روابط خانوادگی در دوره‌های انحطاط خبر می‌دهد. معمولاً در کانون خانوادگی است که نخستین آثار بدی و انحطاط پدید می‌آید، پیش از آنکه در سازمان گسترده‌تر و تواناتر دولت ظاهر شود.^۴

از این رو، استحکام و دوام خانواده، اهمیت فراوانی دارد و این دوام در وهله اول متوقف بر رعایت و پایبندی هر یک از اعضای آن به ادای حقوق سایرین می‌باشد. مقدمه لازم و ضروری برای تحقق این امر، علم به حقوق یاد شده و آشنایی با آن است و این همان چیزی است که در این مقاله دنبال می‌شود. به دیگر سخن، این مقاله سعی دارد به این سؤال پاسخ دهد که «حقوق و تکالیف هر یک از اعضای خانواده در قبال یکدیگر چیست؟»

گفتنی است که خانواده در قانون مدنی و دیگر قوانین ایران تعریف مشخصی ندارد و با توجه به مقررات مختلف از یک معنای عام و گسترده و یک معنای خاص و محدود برخوردار است؛^۵ اما آنچه امروزه، بیش‌تر مورد عنایت قانونگذار است، خانواده به معنای خاص است که عبارت از زن و شوهر و فرزندان تحت سرپرستی آنها است که معمولاً با هم زندگی می‌کنند و تحت ریاست شوهر و پدر خانواده هستند.^۶

هر یک از اعضای خانواده به‌سان اعضای هر اجتماع دیگر، از حقوق و تکالیفی در قبال هم برخوردارند، با این تفاوت که حقوق خانواده به خلاف سایر موارد، تنها شامل جنبه‌های قانونی با ضمانت اجرایی نیست؛ بلکه جنبه‌های انسانی، عاطفی و اخلاقی را نیز دربرمی‌گیرد و چه بسا غلبه نیز با این موارد است.^۷ از این رو، وقتی سخن از حقوق خانواده به میان می‌آید، مراد، حقوق و تکالیفی است که هر یک از اعضای خانواده اعم از شوهر، زن و فرزندان ایشان براساس شرع، قانون و عرف و اخلاق در قبال هم دارند.

حقوق خانواده را می‌توان به «حقوق مشترک» یعنی وظایفی که هر یک از اعضای خانواده به ویژه زن و شوهر به طور مشترک در قبال خانواده و یکدیگر دارند و «حقوق اختصاصی» یعنی وظایفی که هر یک از اعضای خانواده به طور اختصاصی در قبال یکدیگر دارند، تقسیم کرد. از این رو، مباحث این مقاله در سرفصلهای زیر ارائه می‌گردد:

اول. حقوق و تکالیف مشترک خانواده (به ویژه زن و شوهر)؛

دوم. حقوق و تکالیف اختصاصی اعضای خانواده:

الف. وظایف و تکالیف زن در قبال شوهر؛

ب. وظایف و تکالیف شوهر در قبال همسر؛

ج. وظایف و تکالیف فرزندان در قبال والدین؛

د. وظایف و تکالیف والدین در قبال فرزندان.

اول. حقوق و تکالیف مشترک خانواده (زن و شوهر)

۱. حسن معاشرت

زن و شوهر مکلفند با هم حسن معاشرت داشته باشند.^۸ حسن معاشرت به این معنا است که زن و شوهر با خوشرویی و مسالمت و صمیمیت زندگی کنند و از مجادله و ناسزاگویی و اهانت به یکدیگر بپرهیزند.^۹

لوازم حسن معاشرت را به دقت نمی‌توان معین کرد؛ ولی به اجمال می‌توان گفت تمام اموری که در نظر اجتماعی توهین محسوب می‌شود، مانند ناسزاگویی، ایراد ضرب، مشاجره و تحقیر یا اموری که با عشق به کانون خانواده و اقتضای محبت بین دو همسر منافات دارد، مانند ترک خانواده، بی‌اعتنایی به همسر و خواسته‌های او و اعتیادهای مضر، از مصداقهای منفی با حسن معاشرت و به تعبیری از مصداقهای سوء معاشرت محسوب می‌گردد.^{۱۰}

هرچند تکلیف مربوط به حسن معاشرت جنبه اخلاقی دارد، از نظر حقوقی نیز

بی‌ضمانت اجرا نمانده است؛ زیرا سوء معاشرت زن استحقاق او را در نفقه از بین می‌برد و هرگاه سوء معاشرت شوهر نیز چنان باشد که زندگی را برای زن غیر قابل تحمل سازد، او به این استناد، حق دارد از دادگاه درخواست طلاق کند.^{۱۱}

زندگی و سکونت مشترک و به تعبیر دیگر، زندگی زیر یک سقف را می‌توان از لوازم حسن معاشرت دانست. از این رو، زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند مسکن گزیند و شوهر نیز وظیفه دارد که او را در محل سکونای خود بپذیرد.^{۱۲} داشتن روابط جنسی به طور متعارف از حسن معاشرت است و هرگاه زن یا شوهر از آن امتناع کند، برخلاف وظیفه حسن معاشرت رفتار کرده است.^{۱۳} این تکلیف و لوازم و مصداق‌هایی از آن در روایات اسلامی مورد توجه قرار گرفته است که به مواردی از آن اشاره می‌گردد:

پیامبر اکرم(ص) در این باره می‌فرماید:

هر که زنی داشته باشد و او را بیازارد، خداوند نه نماز آن زن را قبول می‌کند و نه کار نیک‌اش را، هر چند همه عمر روزه بگیرد؛ تا آن گاه که به شوهرش کمک کند و او را خشنود سازد... مرد نیز اگر زن خود را بیازارد و به او ستم کند همین گناه و عذاب را دارد.^{۱۴}

بدانید که خداوند عزوجل و رسول او بیزارند از کسی که به زنی آزار رساند تا آنکه زن طلاق خلع بگیرد.^{۱۵}

در شگفتم از کسی که زنش را می‌زند؛ در حالی که خود به کتک خوردن سزاوارتر است.^{۱۶}

هر زنی که با شوهرش نرمی نکند و او را بر انجام کارهایی که توان و قدرت انجامش را ندارد وادارد، کار نیک از او قبول نمی‌شود و خداوند را در حالی که بر او خشمگین است، ملاقات می‌کند.^{۱۷}

پناه ببرید به خداوند از سه چیز کمرشکن: ... و از همسر بدی که اگر نزد وی باشی با تو بدزبانی کند.^{۱۸}

امام سجاده(ع) نیز در این باره می‌فرماید:

حق زن این است که بدانی خداوند عزوجل او را مایه آرامش و انس تو قرار داده است و بدانی که او نعمتی است که خداوند به تو داده؛ پس او را گرامی داری و با وی نرمی کنی.^{۱۹}

امام صادق(ع) نیز در این باره می‌فرماید:

ملعون است ملعون، آن زنی که شوهر خود را بیازارد و غمگین کند و خوشبخت است خوشبخت، آن زنی که شوهر خود را احترام نهد و آزارش ندهد و در همه حال از وی فرمان برد.^{۲۰}

شوهر برای نشاط و استحکام روابط دوستانه با زنش از سه خصلت بی نیاز نیست؛ موافقت با او تا موافقت و دوستی و میل او را جلب کند؛ خوش رفتاری با همسر و دلبری از او...^{۲۱}

۲. معاضدت و همکاری

زن و شوهر مکلفند در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود با هم معاضدت داشته باشند.^{۲۲} این تکلیف به این معناست که زن و شوهر باید با یکدیگر همکاری کنند تا خانواده چه به لحاظ مادی و اقتصادی و چه به لحاظ اخلاقی و معنوی همواره استوار و مستحکم باشد.^{۲۳} این تکلیف اقتضا می‌کند که زن و شوهر برناملازمات زندگی مشترک شکبیا بوده، آزار و اذیتهای احتمالی طرف مقابل را با صبر و بردباری تحمل نمایند و نیز اقتضا دارد که هیچ یک از زن و شوهر نتواند برای خدماتی که در خانواده انجام می‌دهد و کمکهایی که به همسر خود می‌کند، دستمزد بخواهد^{۲۴} و باید در مواقع ضروری و بیماری همواره شریک و همدل و باور هم باشند.^{۲۵}

در روایات اسلامی به ویژه روایات پیامبر اکرم(ص) درباره این تکلیف و مصداقهای از آن می‌خوانیم:

هر زنی که در برابر بد اخلاقی شوهرش شکبیبی ورزد، خداوند همانند [ثواب] آسیه دختر مزاحم [همسر فرعون] به او عطا کند.^{۲۶}

مردی که برای خدا و به امید پاداش او در برابر بد اخلاقی همسرش صبر کند، خدای متعال برای هر روز و شبی که شکبیبی می‌ورزد، همان ثوابی را به او دهد که به ایوب [ع] در قبال بلایی که دید عطا کرد و گناه زن نیز در هر روز و شب به اندازه ریگهای ریگستان باشد.^{۲۷} هر زنی که هفت روز شوهرش را خدمت کند، خداوند هفت در دوزخ را به روی او ببندد و هشت در بهشت را به رویش بگشاید، تا از هر در که خواهد وارد شود و هیچ زنی نیست که جرعه‌ای آب به شوهرش بنوشاند مگر این عمل او برایش بهتر از یک سال باشد که روزهایش را روزه بگیرد و شبهایش را به عبادت سپری کند.^{۲۸}

به زن خود خدمت نکند مگر صدیق یا شهید یا مردی که خداوند خیر دنیا و آخرت او را بخواهد.^{۲۹} هرگاه زنی با مالش بر شوهرش منت نهد و به او بگوید تو از مال من ارتزاق می‌کنی، چنانچه این زن این مالش را در راه خدا صدقه دهد، خداوند از او نمی‌پذیرد مگر اینکه شوهرش از او راضی گردد.^{۳۰}

زن و شوهر باید به یکدیگر وفادار باشند؛ بدین معنا که از برقراری رابطه نامشروع با دیگران بپرهیزند.^{۳۱} در قانون مدنی هیچ اشاره‌ای به تکلیف وفاداری زن و شوهر نشده است؛ ولی باید توجه داشت که سکوت قانونگذار به دلیل بدیهی بودن این تکلیف است. در فرهنگ ما رابطه آزاد زن و مرد در هر حال ممنوع و ناپسند است و به ویژه گناه کسی که همسر دارد و به خانواده‌ای پای بند است، از نظر اخلاق مذهبی زشتی خاصی دارد.^{۳۲}

تکلیف مربوط به وفاداری از نظر حقوقی نیز بدون ضمانت اجرا نمانده است؛ زیرا نه تنها به عنوان سوء رفتار یا ارتکاب جرمی که با حیثیت خانوادگی تعارض دارد، مستند درخواست طلاق قرار می‌گیرد، بلکه همسری که از این بابت زیان می‌بیند می‌تواند جبران خسارت مادی و معنوی خود را از طرف خطاکار بخواهد.^{۳۳}

در روایات اسلامی نیز به این تکلیف مشترک زن و شوهر اشاره شده است؛ از جمله پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

زن شوهرداری که مرد بیگانه‌ای چشمش را پر کرده باشد، مورد خشم شدید خدای عزوجل است؛ زیرا اگر چنین باشد خداوند همه اعمال او را باطل گرداند و اگر به شوهر خود خیانت ورزد، بر خداست که او را بعد از عذاب دادن در قبر به آتش دوزخ بسوزاند.^{۳۴}

امام صادق (ع) نیز در این باره می‌فرماید:

سخت‌ترین عذاب را در روز قیامت آن مردی دارد که نطفه خود را در رحمی جای دهد که بر وی حرام است.^{۳۵}

خداوند به موسی وحی فرمود: ... زنا نکنید که زاناتان زناکار می‌شوند و هر که به همسر مردی مسلمان خیانت کند، به همسرش خیانت کنند. به هر دست بدهی از همان می‌گیری.^{۳۶}

از حضرت عیسی مسیح (ع) نیز در این باره آمده است:

هر زنی که خود را خوشبو کند و بیرون رود تا بویش به مشام دیگران رسد، زناکار است و هر چشمی که او را بنگرد، زناکار است.^{۳۷}

نباید به زنی که به تو تعلق ندارد، خیره شوی؛ چه تا زمانی که چشم خود را نگه داری هرگز مرتکب زنا نشوی. اگر می‌توانی حتی به جامه زن نامحرم نیز چشم مینداز.^{۳۸}

دوم. حقوق و تکالیف اختصاصی اعضای خانواده

در مقابل حقوق و تکالیف مشترک خانواده که بیش تر متوجه زن و شوهر است، حقوق و تکالیفی وجود دارد که از آن، به «حقوق و تکالیف اختصاصی خانواده» تعبیر می‌کنیم. اینها حقوق و تکالیفی هستند که هر یک از اعضای خانواده در قبال دیگر اعضا دارد. با توجه به اینکه اعضای خانواده را زن و شوهر و فرزندان ایشان تشکیل می‌دهند، حقوق و تکالیف یاد شده را در چهار محور بیان می‌کنیم:

الف. وظایف و تکالیف زن در قبال شوهر

حقوق و تکالیف زن و شوهر در مقابل همدیگر به واسطه وقوع نکاح صحیح برقرار می‌گردد؛^{۳۹} اما واقعیت این است که به مصداق آیه شریفه ۲۲۸ سوره بقره، حق مردان بر زنان بیش تر است.^{۴۰}

پیامبر اکرم (ص) درباره عظمت حق شوهر بر زن می‌فرماید:

زن حق خداوند عزوجل را ادا نمی‌کند، مگر اینکه حق شوهرش را ادا نماید.^{۴۱}
اگر قرار بود دستور دهم کسی در برابر کسی سجده کند، به زن دستور می‌دادم که شوهرش را سجده کند.^{۴۲}

در روایت است که زنی به محضر رسول اکرم (ص) آمد. حضرت به او فرمود: «آیا شوهر داری؟» عرض کرد: «آری.» فرمود: «چگونه زنی هستی برای او؟» پاسخ داد: «در حق او کوتاهی نمی‌کنم، مگر آنکه عاجز باشم.» فرمود: «فاین انت منه فانما هو جنتک و نارک.»^{۴۳}

کجا هستی از مرد خود و از ادای وظایف و حقوق او، در حالی که شوهر تو بهشت و دوزخ تو است.

قبل از بیان حقوقی که شوهر بر همسر خویش دارد و زن موظف و مکلف است به ادای آنها قیام کند، گفتنی است این حقوق نوعاً برخاسته از این مطلب است که براساس قانون مدنی^{۴۴} و شرع مقدس^{۴۵}، در روابط زوجین، ریاست خانواده از خصائص شوهر است.^{۴۶} و اما حقوق شوهر بر همسر خود و تکالیف زن در قبال شوهر:

۱. تمکین

زن باید از شوهر خود در امور زناشویی تمکین و پذیرش داشته باشد و از اجابت درخواست شوهر در این امر سرپیچی ننماید.^{۴۷} تمکین به دو معنای خاص و عام می‌آید. تمکین به

معنای خاص، همان پذیرش درخواست شوهر برای نزدیکی جنسی در هر زمان و مکانی است، جز در مواردی که مانع موجه شرعی و عقلی وجود داشته باشد.^{۴۸} تمکین به معنای عام، انجام وظایف دیگر همسری است.^{۴۹} تمکین مورد نظر در اینجا، معنای خاص آن است که از وظایف اختصاصی همسر نسبت به شوهر خویش است. شوهر چنین وظیفه‌ای نسبت به همسر خود ندارد، مگر در حدّی که با وظیفه مشترک حسن معاشرت و حق اختصاصی زن - که در آینده بیان می‌شود - منافات پیدا کند.

در روایتی از امام صادق(ع) می‌خوانیم: زنی خدمت پیامبر اکرم(ص) آمد و عرض کرد: «حق مرد بر گردن زن چیست؟» فرمود:

أَنْ تَجِيبَهُ أَلِي حَاجَتِهِ وَ أَنْ كَانَتْ عَلَي قَتَبٍ.^{۵۰}

درخواست و نیاز [جنسی] او را اجابت نماید اگر چه بر پشت شتری باشد.

۲. اقامت در منزل شوهر و خارج نشدن بی‌اجازه از آن

زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند، سکنی نماید، مگر اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد.^{۵۱} او نمی‌تواند بدون اجازه شوهر از منزل خارج شود، هر چند برای دیدار خانواده‌اش باشد.^{۵۲} البته ملزم بودن زن به اقامت در محلی که شوهر معین کرده، تا جایی است که بودن او با شوهر در یک منزل، متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن نباشد.^{۵۳} عدم خروج بی‌اجازه زن از منزل شوهر نیز تا جایی است که اولاً مانعی برای انجام واجبات دینی زن از قبیل حج واجب نگردد؛^{۵۴} ثانیاً، با وظیفه مشترک حسن معاشرت و معاضدت و همکاری منافات پیدا نکند.

در روایتی از امام باقر(ع) به نقل از رسول اکرم(ص) درباره حق شوهر بر همسر می‌خوانیم:

... وَ لَا تَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَ أَنْ خَرَجْتَ بِغَيْرِ إِذْنِهِ لَغَنَتْهَا مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ وَ مَلَائِكَةُ الْأَرْضِ وَ مَلَائِكَةُ الْغُضْبِ وَ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ حَتَّى تَرْجِعَ أَلِي بَيْتِهَا.^{۵۵}

از منزل شوهرش بدون اجازه خارج نشود و اگر بی‌اجازه خارج شد، ملائکه آسمان و زمین و ملائکه غضب و رحمت، همگی او را لعن و نفرین می‌کنند تا آن‌گاه که به خانه برگردد.

۳. حفاظت از اموال شوهر

خانه و اموال شوهر در دستان همسر امانت است و او مجاز است از آنها برای خود استفاده نماید و نمی‌تواند بدون رضایت شوهر، آن را در اختیار دیگران قرار دهد و صدقه، هبه یا نذر نماید.^{۵۶} و نیز زن نمی‌تواند بدون اجازه شوهر خود، کسی را به خانه دعوت نماید؛ چنان‌که

در روایتی از پیامبر اکرم (ص) می‌خوانیم:

لا یحل لامرأة تؤمن بالله والیوم الآخر ان تأذن فی بیت زوجها و هو کاره.^{۵۷}
برای زنی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، جایز نیست کسی را به خانه شوهرش دعوت نماید، مگر با رضایت او.

۴. انتخاب شغل غیر منافی با شئون خانوادگی

از حقوق شوهر بر همسر خود این است که اگر زن مجاز به اشتغال است، باید در انتخاب نوع شغل، شئون خانوادگی را لحاظ نماید. از این رو، به تصریح قانون مدنی، شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند.^{۵۸}

۵. پذیرش رجوع شوهر در طلاق رجعی و راست‌گویی درباره ایام عده

زن و شوهری که در حالت طلاق رجعی هستند، به تصریح آیه شریفه ۲۲۸ سوره بقره، زن باید مدتی را عده نگاه دارد و در این مدت، شوهر می‌تواند بدون احتیاج به هیچ‌گونه تشریفات، زندگی را با همسرش از سر گیرد. البته با این شرط که به راستی از وضع خود پشیمان شده و بخواهد به طور جدی زندگی خانوادگی را ادامه دهد.

از این رو، اگر رجوع شوهر به منظور ایجاد ضرر و بلا تکلیف ساختن زن نباشد، زن باید شوهرش را بپذیرد و نمی‌تواند استنکاف نماید. نیز با توجه به اینکه درباره آغاز و پایان ایام عده، گفتار خود زن سند و مقبول است،^{۵۹} زن نباید در موضوع پاک شدن یا مبتلا شدن به عادت ماهانه خود خلاف‌گویی کند و یا در صورت باردار بودن، حمل خود را مخفی دارد و ادعا کند که به عادت ماهانه مبتلا می‌شود، تا مدت عده را کم‌تر کند (زیرا عده زنان باردار، همان وضع حمل است).

ب. وظایف و تکالیف شوهر در قبال همسر

شوهر در مقابل حقوقی که بر همسر خود دارد، دارای وظایف و تکالیفی است که جزو حقوق زن به حساب می‌آیند و او موظف و مکلف است به آنها وفا کند. خداوند متعال در آیه شریفه ۲۲۸ سوره بقره با اشاره کلی به این واقعیت می‌فرماید:

و لهن مثل الذی علیهن بالمعروف.

برای زنان، همانند وظایفی که بر دوش آنها است، حقوق شایسته قرار داده شده است.

پیامبر اکرم (ص) در حدیثی می‌فرماید:

ملعون، ملعون من ضیع من یعول.^{۶۰}

معلون است! ملعون است کسی که حقوق همسر و فرزند خود را ضایع کند!

در این قسمت به اهم این حقوق که شوهر موظف به ادای آنهاست، اشاره می‌کنیم:

۱. پرداخت نفقه

از وظایف شوهر در قبال همسر دائم، پرداخت نفقه و خرجی اوست.^{۶۱} نفقه به اجمال، عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن، متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضا.^{۶۲}

پرداخت نفقه به زن از سوی همسرش مشروط به موارد زیر است:^{۶۳}

- همسر دائم باشد نه موقت؛^{۶۴}

- زن نسبت به وظایفش در قبال شوهر، عامل باشد و به اصطلاح نافرمان یا ناشزه نباشد؛^{۶۵}

- مرتد نشده و از اسلام برنگشته باشد؛

- کودک و غیر قابل تمتع و کامیابی نباشد؛

- در عده طلاق باین نباشد؛ اما زنی که در عده طلاق رجعی به سر می‌برد تا وقتی که در

عده است، حق نفقه دارد خواه حامله باشد یا نباشد.^{۶۶}

نکته قابل توجه درباره نفقه زن اینکه شرط استحقاق زن برای دریافت خرجی، فقر و

نیاز زن نیست؛ بلکه زن بر مرد حق خرجی دارد هر چند از ثروتمندترین اشخاص باشد.^{۶۷} و

زن این حق را دارد که مستقلاً در دارایی خود هر تصرفی را که می‌خواهد بکند.^{۶۸}

در ضمن، اگر مخارج چند روز، مثلاً یک هفته یا یک ماه به زن پرداخت شود و این

مدت بگذرد و زن آن را به مصرف خود نرساند، به این ترتیب که از جای دیگر خرج کند یا

کسی خرج او را بدهد و یا با صرفه جویی مقداری از آن را پس انداز کند، آنچه مصرف

نشده متعلق به خود زن بوده و شوهر حق بازگرداندن آن را ندارد. ضمن این که زن حق دارد

مخارج روزانه را از شوهر مطالبه نماید و چنانچه شوهر از پرداخت خرجی خودداری کند و

آن روز بگذرد همچنان بدهکار خواهد بود.^{۶۹}

در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) هنگام ایراد خطبه حجّة الوداع درباره حقوق زنها بر

شوهرانشان آمده است:

و اما حقوق زنان اینکه چون پرهیزگاری پیش گرفته و از صلاح بینی شما پیروی نمودند،

لازم است خوراک و پوشاک آنان را به طوری که معمول و متعارف است تأمین کنید و

متوجه باشید که زنان در خانه شما تهی‌دست و بی‌چیزند و مالک مالی نیستند و آنان

امانت خدایند نزد شما و با اجازه پروردگار متعال و دستور او برای استمتاع شما حلال

گشته‌اند. پس آنان را نیکو نگاه دارید و پیوسته خیر و صلاح و آسایش آنان را تأمین کنید.^{۷۰}

۲. ارضای نیازهای جنسی و عاطفی زن

در بیان وظیفه مشترک «حسن معاشرت» گفته شد که یکی از لوازم حسن معاشرت زن و شوهر، داشتن روابط جنسی متعارف است؛ اما آنچه اینجا به عنوان حق اختصاصی زن و وظیفه شوهر در برآورده ساختن آن می‌گوییم، این است که اولاً، زن بنا بر مشهور فقهای اسلام، یک شب در هر چهار شب، حق همخوابگی با شوهر خود را دارد.^{۷۱} ثانیاً، شوهر موظف است در هر چهار ماه دست کم یک بار با او آمیزش کند.^{۷۲}

البته حق همخوابگی و آمیزش در ازدواج موقت و همچنین در ازدواج با نابالغ، دیوانه و ناشزه نیست.^{۷۳}

۳. پرداخت مهریه زن عندالمطالبه

در پیمان ازدواج، اسلام برای زن هدیه یا ارزشی به عنوان «مهریه» بر مرد مقرر کرده که این هدیه نه عوض از تملک زن بلکه نشانه محبت و تقدیر است. هر چیزی را که مالیت دارد و قابل تملک است می‌توان مهر قرار داد.^{۷۴}

شوهر موظف است در صورت قدرت بر پرداخت، مهریه همسر خود را عندالمطالبه تقدیم کند و زن می‌تواند تا مهریه به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند خواه شوهر مؤسر باشد یا معسر، مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مُسقط حق نفقه نخواهد بود.^{۷۵} البته اگر زن قبل از اخذ مهر به اختیار خود به ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد قیام کند، نمی‌تواند از حکم ماده قبل استفاده کند. با این حال، حقی که برای مطالبه مهر دارد، ساقط نخواهد شد.^{۷۶}

ج. وظایف و تکالیف فرزندان در قبال والدین

فرزندان خانواده در قبال پدر و مادر خود وظایف سنگینی دارند که عمده آن جنبه روحی و عاطفی و بخشی از آن جنبه مالی دارد و از وظایف مشترک میان فرزندان و والدین است. در منابع دینی به ویژه در آیات قرآنی به ابعاد غیر مالی وظایف فرزندان، اهمیت فراوانی داده شده است. اهم وظایف و تکالیف فرزندان نسبت به والدین خویش عبارت است از:

۱. احسان و سپاس‌گزاری و تواضع

از وظایف و تکالیف فرزندان در قبال پدر و مادر خود، احسان و نیکی کردن به ایشان و سپاس‌گزاری از زحمات ایشان به ویژه مادر است. آیات قرآن تأکید فراوانی بر این وظیفه دارد؛ از جمله:

در آیه شریفه ۱۴ سوره لقمان در این باره آمده است:

ما به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش او را با زحمت روی زحمت حمل کرد... [آری به او توصیه کردم] که شکر برای من و برای پدر و مادرت به جا آور که بازگشت همه شما به سوی من است.

در آیه شریفه ۲۲ و ۲۴ سوره اسراء می‌فرماید:

پروردگارت فرمان داده جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید... بالهای تواضع خویش را در برابرشان از محبت و لطف فرود آر و بگو: پروردگارا! همان‌گونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده.

در آیه شریفه، استفاده از فعل «قضی» به جای «امر»، قرار دادن توحید در کنار نیکی به پدر و مادر، مطلق بودن «احسان» که هرگونه نیکی را دربرمی‌گیرد، مطلق بودن «والدین» که مسلمان و کافر را شامل می‌شود و نکره بودن «احسان» که در این‌گونه موارد برای بیان عظمت می‌آید، تأکیدات پنج‌گانه‌ای است که اهمیت فراوان احسان و نیکی در حق پدر و مادر را می‌رساند.^{۷۷}

در آیه شریفه ۱۵ سوره احقاف نیز می‌فرماید:

ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند، و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد...

تعبیر «وصینا الانسان» اشاره بر این است که نیکی به پدر و مادر از اصول انسانی است که حتی کسانی که پایبند دین و مذهب نیستند نیز طبق الهام فطرت به آن جذب می‌شوند و شرح درد و رنجهای مادر در راه پرورش فرزند برای این است که زحمات مادر در مقایسه با پدر بسی بیش‌تر است.^{۷۸}

در آیه شریفه ۱۵۱ سوره انعام نیز می‌فرماید:

بگو ببینید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است، برایتان بخوانم: اینکه... به پدر و مادر نیکی کنید...

در این آیه به جای تحریم آزار پدر و مادر، که با سایر تحریمهای این آیه همساز است، موضوع احسان و نیکی کردن ذکر شده است؛ یعنی نه تنها ایجاد ناراحتی برای آنها حرام است، بلکه علاوه بر آن، احسان و نیکی به آنها نیز لازم و ضروری است.

نکته جالب اینکه در این آیه، کلمه احسان به «باء» متعدی شده نه به «الی» و فرموده:

«بالوالدین احساناً» و این می‌رساند که نیکی مورد نظر به والدین، نیکی کردن به‌طور مستقیم و بی‌واسطه است.^{۷۹}

حضرت عیسی (ع) نیز در آیه شریفه ۳۲ سوره مریم، در مقام برشمردن افتخارات خود، نیکی کردن به مادر را ذکر می‌کند که دلیل روشنی بر اهمیت مقام مادر است.

سید قطب در تفسیر فی ظلال حدیثی به این مضمون از پیامبر (ص) نقل می‌کند که مردی مشغول طواف بود و مادرش را بر دوش گرفته، طواف می‌کرد. پیامبر (ص) را در همان حال مشاهده کرد. عرض کرد: «آیا حق مادرم را با این کار ادا می‌کنم؟» فرمود:

نه؛ این کار حتی ناله‌ای از ناله‌های مادرت را [هنگامی که تو را به دنیا می‌آورد] جبران نمی‌کند.^{۸۰}

۲. پرهیز از آزار و اهانت

از دیگر وظایف فرزندان در برابر پدر و مادر، که بی‌ارتباط با وظیفه پیشین نیست، پرهیز از آزار و اذیت و هرگونه اهانت به ایشان است. آیه شریفه ۲۳ سوره اسراء در این باره می‌فرماید:

هرگاه یکی از آنها - یا هر دو - نزد تو، به سن پیری برسند، به آنها آف مگو و بر آنها فریاد مزن و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگووارانه به آنها بگو.
امام صادق (ع) درباره این آیه شریفه فرموده است:

اگر چیزی کم‌تر از آف وجود داشت، خدا از آن نهی می‌کرد و این حداقل مخالفت و بی‌احترامی به پدر و مادر است و از آن جمله است نظر تند و غضب‌آلود به پدر و مادر.^{۸۱}

۳. اطاعت و فرمان‌برداری و پرهیز از نافرمانی

فرزندان وظیفه دارند تا حدی که به نافرمانی از خدا و دستورات واجب او نینجامد، از پدر و مادر خود اطاعت و حرف شنوی داشته باشند و از نافرمانی ایشان بپرهیزند. در فرهنگ دینی ما «عقوق الوالدین» که نافرمانی از پدر و مادر و آزار و اذیت ایشان است، از گناهان کبیره به شمار می‌رود.^{۸۲}

خداوند در آیات شریفه ۸ سوره عنکبوت و ۱۵ سوره لقمان پس از سفارش به احسان به پدر و مادر و اطاعت از ایشان درباره حدود این اطاعت می‌فرماید:

اگر آنها تلاش کنند که برای من شریکی قائل شوی که به آن علم نداری، از آنها اطاعت مکن. هرگاه آنها تلاش کنند که موجودی را شریک من قرار دهی که از آن آگاهی نداری، از آنها اطاعت مکن؛ ولی با آنها در دنیا به طرز شایسته‌ای رفتار کن.

از پیامبر اکرم (ص) درباره عاق الوالدین روایت کرده‌اند:

بترسید از اینکه عاق پدر و مادر و مغضوب آنها شوید؛ زیرا بوی بهشت از پانصد سال راه به مشام می‌رسد؛ ولی هیچ‌گاه به مشام کسانی که مورد خشم پدر و مادر هستند نخواهد رسید.^{۸۳}

اطاعت از فرمان پدر و مادر تا جایی اهمیت دارد که حتی جهاد که یکی از مهم‌ترین برنامه‌های اسلامی است، مادام که جنبهٔ وجوب عینی پیدا نکند، اطاعت از فرمان پدر و مادر بر آن رجحان دارد؛ چنان‌که در حدیثی از امام صادق (ع) می‌خوانیم که مردی نزد پیامبر (ص) آمد و عرض کرد: «من جوان بانشاط و ورزیده‌ای هستم و جهاد را دوست دارم؛ ولی مادری دارم که از این موضوع ناراحت می‌شود.» پیامبر (ص) فرمود:

برگرد و با مادر خویش باش. قسم به آن خدایی که مرا به حق مبعوث ساخته است. یک شب که مادر با تو مأنوس گردد، از یک سال جهاد در راه خدا بهتر است.^{۸۴}

۴. پرداخت نفقه و خرجی

از وظایف فرزندان در قبال پدر و مادر که جنبهٔ مالی دارد و پدر و مادر نیز چنان‌که اشاره خواهد شد چنین وظیفه‌ای را در قبال فرزندان خویش دارند، پرداخت نفقه و خرجی است، امم از اینکه پدر و مادر مسلمان باشند یا کافر.^{۸۵}

قانون مدنی تصریح می‌کند که نفقهٔ ابوین با رعایت الاقرب فالاقرب برعهدهٔ اولاد و اولاد اولاد است.^{۸۶}

شرط پرداخت نفقه، فقرونداری پدر و مادر است، به این معنا که خوراک روزانه خود را نداشته باشند و هرچند بتوانند از راه غیر کسب و کار، مانند قرض گرفتن یا دریافت هدیه یا گدایی یا کار پرمشقت پولی فراهم آورند، مانع از وجوب نفقه نمی‌شود. ولی اگر کسی می‌تواند با کاری مناسب با حال و شأنش مخارج خود را درآورد و برای راحت طلبی کار نکند، واجب نیست به وی خرجی دهد.^{۸۷} در قانون مدنی نیز آمده است: کسی مستحق نفقه است که ندار باشد و نتواند به وسیلهٔ اشتغال به شغلی وسایلی معیشت خود را فراهم سازد.^{۸۸}

البته پرداخت نفقه به پدر و مادر در صورتی بر فرزندان واجب است که ایشان قدرت و توانایی پرداخت آن را بعد از تأمین مخارج خود و همسر دائم داشته باشند،^{۸۹} و چنانچه فرزند درآمدی ندارد تا خرج خود، همسر و پدر و مادر خود را بپردازد، خود، مقدم بر همسر و همسر مقدم بر پدر و مادر است.^{۹۰} قانون مدنی نیز تصریح دارد که کسی ملزم به انفاق است که متمکن از دادن نفقه باشد؛ یعنی بتواند نفقه بدهد، بدون اینکه از این حیث در وضع معیشت خود دچار مضیقه گردد.^{۹۱}

درباره نوع و مقدار نفقه هم گفتنی است که مخارج پدر و مادر مقدار معینی ندارد؛ بلکه واجب است به مقدار کافی از خوراک، لباس و مسکن با ملاحظه حال، شئون، زمان و مکان باشد؛^{۹۲} چنان که در قانون مدنی آمده است: نفقه اقارب، عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت به قدر رفع حاجت یا در نظر گرفتن درجه استطاعت منفق.^{۹۳} در ضمن یادآور می‌شود، در صورت تعدد فرزندان، پرداخت نفقه به صورت مشترک برعهده همه آنها خواهد بود.^{۹۴}

د. وظایف و تکالیف والدین در قبال فرزندان

پدر و مادر نیز در مقابل حقوقی که برعهده فرزندان خود دارند، در برابر آنها دارای وظایف و تکالیفی هستند که به اهم موارد آن اشاره می‌گردد:

۱. پرداخت نفقه و خرجی

آن سان که در بحث پیش گذشت، پرداخت نفقه و خرجی از وظایف مالی مشترک والدین و فرزندان است. قانون مدنی با تصریح به این وظیفه والدین می‌گوید: نفقه اولاد برعهده پدر است. پس از فوت پدر یا عدم قدرت او به انفاق، به عهده اجداد پدری است با رعایت الاقرب فالاقرب و در صورت نبودن پدر و اجداد پدری و یا عدم قدرت آنها نفقه برعهده مادر است.^{۹۵}

شرایط و نکاتی که در بحث پرداخت نفقه به پدر و مادر ذکر شد، در اینجا نیز صادق است.

۲. تربیت

از مهم ترین وظایف پدر و مادر در قبال فرزندان، اهتمام به امر تربیت است. پدر و مادر بایستی فرزند خویش را آماده زندگی اجتماعی سازند و بر رفتار و معاشرت و تحصیل او نظارت مستمر داشته باشند و سنن ملی و مذهبی را به او بیاموزند.^{۹۶}

قانون مدنی در جایی بیان می‌دارد که زوجین باید در تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند^{۹۷} و در جای دیگر تصریح می‌کند که ابوین مکلف هستند در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش برحسب مقتضی اقدام کنند و نباید آنها را مهمل بگذارند.^{۹۸}

اسلام به وظیفه تربیت اولاد از سوی والدین اهمیت خاصی داده است به طوری که فرزند صالح را عمل صالحی دانسته است که برکات آن تا قیامت نصیب والدین او می‌گردد؛ چنان که در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است:

هنگامی که فرزند آدم بمیرد، برنامه عمل وی تمام می‌شود و دیگر نمی‌تواند پس‌اندازی برای خویش تهیه کند، مگر به وسیله سه چیز: فرزند صالح که برای پدر و مادر خود دعا می‌کند و...^{۹۹}

برخی دستورات اسلامی به پدر و مادر درباره نوزادان تازه متولد شده را می‌توان در راستای ایجاد زمینه و بستری مناسب برای تربیت اولاد ارزایی نمود؛ دستوراتی از قبیل آنچه در زیر می‌آید:^{۱۰۰}

غسل ولادت: مستحب است در صورتی که برای نوزاد ضرری نداشته باشد، وی را بشویند.

نامگذاری با نامهای نیکو: بهترین نامها، نامهایی است که در بردارنده عبودیت خداوند است؛ مانند عبدالله، عبدالرحیم، عبدالرحمن و مانند آن، و بعد از آن نام پیامبران و ائمه (ع) است و بهترین آنها نام محمد است.

اصلاح سر و صدقه دادن: مستحب است که روز هفتم موی سر کودک را بتراشند و هم وزن مویش طلا یا نقره به مستمندان صدقه دهند.

جشن تولد و ولیمه: مستحب است هنگام ولادت و به هنگام ختنه نوزاد، ولیمه و مهمانی دهند.

ختنه: ختنه پسر واجب است و مستحب است که آن را در روز هفتم انجام دهند و می‌توان آن را تأخیر انداخت، و چنانچه تا بعد از بلوغ به تأخیر افتد، و یا شخص ختنه نشده‌ای مسلمان شود، بر ختنه نشده واجب است که خود اقدام کند.

عقیقه: یکی از مستحبات مؤکد برای نوزادان، عقیقه است. عقیقه، که در روز هفتم برگزار می‌گردد، باید با یکی از چارپایان سه گانه گوسفند، گاو و شتر باشد.

عقیقه را می‌توان به صورت گوشت خام یا پخته شده تقسیم کرد یا اینکه با آن غذایی تهیه و جمعی از افراد با ایمان، دست کم ده نفر، را دعوت کرد تا از آن بخورند و برای نوزاد دعا کنند.

گفتنی است که در راستای تربیت فرزند ابوبن حق تنبیه طفل خود را دارند؛ ولی به استناد این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود، تأدیب و تنبیه نمایند.^{۱۰۱}

۳. نگاهداری و حضانت

نگاهداری اطفال، هم حق و هم تکلیف ابوبن است.^{۱۰۲} نگاهداری به معنای عام کلمه، شامل

همه کارهایی است که برای سرپرستی و مواظبت از کودک لازم است. پذیرفتن طفل در کانون خانوادگی یا تهیه محل سکناى مناسب دیگر و یا مانع شدن سرپرست از آسیب رساندن طفل به دیگران گونه‌های نگاهداری طفل است. پاره‌ای از نویسندگان، نگاهداری به معنای خاص را ناظر به تهیه مسکن دانسته‌اند.^{۱۰۳}

مادر برای نگاهداری و حضانت کودک در دو سال نخست - دوران شیرخوارگی - سزاوارتر است البته به شرط آنکه آزاد، مسلمان و عاقل باشد. خواه کودک دختر باشد یا پسر و خواه از شیر مادر تغذیه کند یا با شیر غیر مادر. در این مدت، پدر حق ندارد کودک را از مادر بگیرد، هر چند مادر، وی را از شیر گرفته باشد. وقتی این دو سال تمام شد، پدر نسبت به پسر و مادر نسبت به دختر سزاوارتر است تا اینکه کودک به هفت سالگی برسد که آن‌گاه پدر برای حضانت دختر سزاوار خواهد بود. اگر مادر قبل از هفت سالگی دختر از شوهر جدا شود مادام که با دیگری ازدواج نکرده، حقش ساقط نمی‌شود.^{۱۰۴}

قانون مدنی نیز تصریح دارد که برای نگاهداری طفل، مادر تا دو سال از تاریخ ولادت در اولویت خواهد داشت. پس از انقضای این مدت، حضانت با پدر است مگر نسبت به اطفال اناث که تا سال هفتم، حضانت آنها با مادر خواهد بود^{۱۰۵} و اگر مادر در مدتی که حضانت طفل با اوست به جنون دچار شود یا با دیگری شوهر کند، حق حضانت با پدر خواهد بود.^{۱۰۶} و در صورت مرگ یکی از ابویین، حضانت طفل با کسی است که زنده است، هر چند متوفی پدر طفل باشد و برای او قیم معین کرده باشد.^{۱۰۷} در ضمن، ابویین حق ندارند در مدتی که حضانت طفل برعهده آنها است، از نگاهداری او امتناع کنند.^{۱۰۸}

درباره اجرت حضانت بین فقهای عامه و خاصه اختلاف است که آیا به شخص نگهدارنده، اجرت و مزدی به سبب حق حضانت تعلق می‌گیرد. به عقیده امامیه، شخص نگهدارنده، مستحق اجرت نیست. البته اگر طفل دارای مکنت و ثروتی باشد، می‌توان از مال او، اجرت حضانت را پرداخت کرد و یا اگر پدر طفل در صورت داشتن قدرت مالی، چیزی به عنوان مزد و اجرت بپردازد، اشکالی نخواهد داشت.^{۱۰۹}

لازم به ذکر اینکه با رسیدن کودک به سن بلوغ و رشد، حق حضانت پایان می‌پذیرد و کودکی که به حد بلوغ و رشد رسیده، هیچ کس حتی پدر و مادر حق حضانت بر وی ندارد؛ بلکه او مالک خویشتن است خواه پسر و خواه دختر.^{۱۱۰}

۴. شیر دادن و پرداخت بهای آن

از وظایفی که والدین در قبال فرزندان خود دارند، شیر دادن نوزاد تا حداکثر دو سال توسط مادر و پرداخت اجرت شیر به مادر در صورت درخواست یا به دایه توسط پدر است.

شیر دادن به نوزاد توسط مادر در صورتی که راه تغذیه کودک منحصر به شیر مادر باشد و امکان استفاده از شیر غیر مادر وجود نداشته یا برای کودک زینانی داشته باشد، واجب است.^{۱۱۱} قانون مدنی نیز تصریح دارد که مادر مجبور نیست به طفل خود شیر بدهد مگر در صورتی که تغذیه طفل به غیر شیر مادر ممکن نباشد.^{۱۱۲} البته خوراندن شیر اول، پس از زاییدن بر مادر واجب است.^{۱۱۳}

گفتنی است که اگر راه تغذیه کودک منحصر به شیر مادر باشد، واجب نیست رایگان به کودک شیر دهد؛ بلکه می‌تواند از مال کودک در صورتی که مال داشته باشد و در صورتی که کودک مالی نداشته باشد و پدر دارا باشد، از مال او حقوق و اجرت شیر را دریافت دارد. اگر کودک و پدر و جد دارا نباشند، باید مادر یا رایگان به کودک شیر دهد و یا زن شیردهی را استخدام کند.^{۱۱۴}

در غیر موارد وجوب شیر دادن، مستحب است که کودک با شیر مادر تغذیه شود که برکت آن بیش‌تر است و مادر برای شیر دادن کودک از دیگران سزاوارتر است؛ در صورتی که مادر به رایگان یا به مقداری که دیگران می‌گیرند و یا کم‌تر، حاضر به شیر دادن نوزاد باشد.^{۱۱۵}

در آیه شریفه ۲۳۳ سوره بقره، هفت دستور درباره شیر دادن نوزادان به شرح زیر آمده است:

- حق شیر دادن در دو سال شیرخوارگی مخصوص مادر است؛

- مدت شیر دادن طفل، لازم نیست حتماً دو سال باشد. دو سال برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را به طور کامل انجام دهد. می‌توان تا ۳ ماه از این مدت کاهش داد و سر ۲۱ ماهگی کودک را از شیر گرفت؛ ولی در صورت امکان و عدم ضرورت، کم‌تر از آن جایز نیست؛^{۱۱۶}

- هزینه زندگی مادر از نظر غذا و لباس حتی در صورتی که طلاق بگیرد، در دوران شیر دادن، برعهده پدر نوزاد است؛

- هیچ یک از پدر و مادر نباید موضوع شیر دادن کودک را مال المصالحة اختلافات خویش قرار دهند و بدین وسیله ضربه‌های جبران‌ناپذیری به روح و روان نوزاد وارد سازند؛ - بعد از مرگ پدر، باید ورثه عهده‌دار تأمین احتیاجات مادر در دوران شیر دادن به کودک شوند؛

- اختیار از شیر بازداشتن کودک به همفکری و توافق پدر و مادر واگذار شده است؛
- هرگز نمی‌توان مادر را از شیر دادن منع کرد.^{۱۱۷}

۵. اهتمام پدر به امر آموزش و ازدواج فرزند

در روایات اسلامی، حقوقی دیگر نیز برای فرزندان ذکر شده که از وظایف و تکالیف اختصاصی پدر در قبال فرزندان به شمار می‌آیند. یکی از این حقوق، حق تعلیم و آموزش به ویژه در امور دینی و قرآن است. یکی دیگر از آنها، فراهم ساختن مقدمات ازدواج است. از پیامبر اکرم(ص) دربارهٔ وظایف یاد شده روایت است:

حق فرزند بر پدرش سه چیز است: ... قرآن به او بیاموزد و هرگاه به سن بلوغ رسید، او را همسر دهد.^{۱۱۸}

حق فرزند بر پدرش این است که او را سواد و شنا و تیراندازی بیاموزد.^{۱۱۹} از جمله حقوق فرزند بر پدرش سه چیز است: ... خواندن و نوشتن به او بیاموزد و هرگاه به سن بلوغ رسید، او را همسر دهد.^{۱۲۰}

نتیجه

اعضای خانواده متشکل از زن، شوهر و فرزندان در قبال یکدیگر وظایف و تکالیفی دارند. این وظایف و تکالیف که از آن به «حقوق خانواده» تعبیر می‌کنیم، در یک نگاه در دو گروه حقوق و تکالیف مشترک خانواده به ویژه زن و شوهر و حقوق و تکالیف اختصاصی خانواده جای می‌گیرد. قسم اخیر به چهار دسته وظایف و تکالیف زن در قبال شوهر، وظایف و تکالیف شوهر در قبال همسر، وظایف و تکالیف فرزندان در قبال والدین و وظایف و تکالیف والدین در قبال فرزندان تقسیم می‌گردد.

در بیان حقوق و تکالیف مشترک خانواده می‌توان به مواردی از قبیل حسن معاشرت، معاضدت و همکاری و وفاداری اشاره کرد.

اهم وظایف و تکالیف زن در قبال شوهر عبارت است از: تمکین، اقامت در منزل شوهر و خارج نشدن بی اجازه از آن، حفاظت از اموال شوهر، انتخاب شغل غیر منافی با شوون خانوادگی و پذیرش رجوع شوهر در طلاق رجعی و راست‌گویی دربارهٔ ایام عده.

و اما مهم‌ترین وظایف و تکالیف شوهر در قبال همسر عبارت است از: پرداخت نفقه،

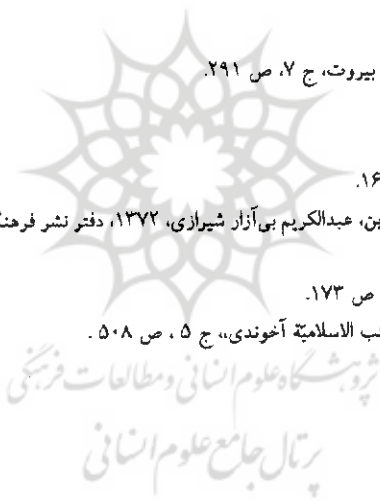
ارضای نیازهای جنسی و عاطفی زن و پرداخت مهریه زن عندالمطالبه در صورت قدرت بر آن. احسان و سپاس‌گزاری و تواضع، پرهیز از آزار و اذیت، اطاعت و فرمان‌برداری و پرهیز از نافرمانی و پرداخت نفقه و خرجی از مهم‌ترین وظایف و تکالیف فرزندان در برابر والدین خویش است.

در بیان وظایف و تکالیف والدین در قبال فرزندان می‌توان به مواردی از قبیل پرداخت نفقه و خرجی، تربیت، نگاهداری و حضانت و شیر دادن و پرداخت بهای آن اشاره کرد.

پی‌نوشتها:

۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۶، بند ۳.
۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۰.
3. josserrand.
۴. درس حقوق مدنی موضوعه فراتسه، ژوسران، چاپ سوم، ج ۱، ش ۶۷۶ به نقل از حقوق خانواده، صفایی و امامی، ج ۱، ص ۸.
۵. حقوق خانواده، سید حسین صفایی و اسداله امامی، ۱۳۶۹، دانشگاه تهران، ج ۱، ص ۱.
۶. همان، ص ۲.
۷. حقوق خانواده، ناصر کاتوزیان، ۱۳۷۱، شرکت انتشارات با همکاری بهمن، ج ۱، پیشگفتار.
۸. قانون مدنی، ماده ۱۱۰۳.
۹. حقوق خانواده، صفایی و امامی، ص ۱۶۱.
۱۰. حقوق مدنی خانواده، کاتوزیان، ج ۱، ص ۲۱۹.
۱۱. همان، ص ۲۲۰.
۱۲. حقوق خانواده، صفایی و امامی، ص ۱۶۱ - ۱۶۲؛ حقوق مدنی خانواده، کاتوزیان، ج ۱، ص ۲۱۴.
۱۳. همان.
۱۴. میزان الحکمة، محمد محمدی ری‌شهری، ترجمه حمیدرضا شیخی، ۱۳۷۹ ش، دارالحدیث، ج ۵، حدیث ۷۸۹۱.
۱۵. همان، حدیث ۷۸۸۸.
۱۶. همان، حدیث ۷۸۸۹.
۱۷. مکارم الاخلاق، شیخ طبرسی، ۱۳۹۲ ق، منشورات الشریف الرضی، ص ۲۰۲.
۱۸. نهج‌الفصاحة، ابوالقاسم پاینده، ۱۳۵۴ ش، سازمان چاپ و انتشارات جاویدان، حدیث ۱۱۶۲.
۱۹. تحف العقول، ابن شعبه الحرانی، ۱۳۶۳ ش، مؤسسه النشر الاسلامی لجماعة المدرسين، ص ۳۲۳.
۲۰. همان، حدیث ۷۸۸۶.
۲۱. همان، حدیث ۷۸۷۱.
۲۲. قانون مدنی، ماده ۳۱۰۴.
۲۳. حقوق خانواده، باقر عاملی، ۱۳۵۰ ش، مدرسه عالی دختران ایران، ص ۶۸.
۲۴. حقوق مدنی خانواده، کاتوزیان، ج ۱، ص ۲۲۱؛ حقوق خانواده، صفایی و امامی، ص ۱۶۲.
۲۵. حقوق مدنی خانواده، کاتوزیان، ج ۱، ص ۲۲۰.
۲۶. میزان الحکمة، ج ۵، حدیث ۷۸۹۲.

۲۷. همان، حدیث ۷۸۹۱.
۲۸. همان، حدیث ۷۸۷۹.
۲۹. همان، حدیث ۷۸۸۱.
۳۰. مکارم الاخلاق، ص ۲۱۴.
۳۱. حقوق خانواده، صفایی و امامی، ص ۱۶۲.
۳۲. حقوق مدنی خانواده، کاتوزیان، ج ۱، ص ۲۲۱.
۳۳. همان، ص ۲۲۲.
۳۴. میزان الحکمة، ج ۵، حدیث ۷۶۴۰.
۳۵. همان، حدیث ۷۶۳۸.
۳۶. همان، حدیث ۷۶۷۳.
۳۷. همان، حدیث ۷۶۵۶.
۳۸. همان، حدیث ۷۶۵۷.
۳۹. قانون مدنی، ماده ۱۱۰۲.
۴۰. حقوق مدنی زوجین، محمدباقر محقق، ۱۳۶۰ ش، بنیاد قرآن، ص ۹۵؛ تحریرالوسیله، امام خمینی، مؤسسه النشر لجماعة المدرسين، ج ۲، ص ۲۷۰.
۴۱. مکارم الاخلاق، ص ۲۱۵.
۴۲. میزان الحکمة، ج ۵، حدیث ۷۸۶۶.
۴۳. السنن الكبرى، احمد البيهقي، دارالفکر، بيروت، ج ۷، ص ۲۹۱.
۴۴. قانون مدنی، ماده ۱۱۰۵.
۴۵. سورة نساء، آية ۳۴.
۴۶. حقوق خانواده، صفایی و امامی، ص ۱۶۴.
۴۷. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۷۰؛ رساله نوین، عبدالکریم بن آزار شیرازی، ۱۳۷۲، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۳، ص ۸۷.
۴۸. ر. ک: حقوق مدنی زوجین، ص ۸۵.
۴۹. ر. ک: حقوق خانواده، صفایی و امامی، ص ۱۷۳.
۵۰. الکافی، شیخ کلینی، ۱۳۶۷ ش، دارالکتب الاسلامیة آخوندی، ج ۵، ص ۵۰۸.
۵۱. قانون مدنی، ماده ۱۱۱۴.
۵۲. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۷۰ - ۲۷۱.
۵۳. قانون مدنی، ماده ۱۱۱۵.
۵۴. تحریرالوسیله، ص ۲۷۱.
۵۵. الکافی، ج ۵، ص ۵۰۷.
۵۶. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۷۱.
۵۷. مستدرک الحاکم، الحاکم النیسابوری، ۱۴۰۶ ق، دارالمعرفة، ج ۲، ص ۱۹۰.
۵۸. قانون مدنی، ماده ۱۱۱۷.
۵۹. امام صادق (ع) در حدیثی می فرماید: خداوند خبر دادن از سه موضوع را به زنان واگذاشته است: عادت ماهانه، پاک بودن و حمل داشتن. (وسائل الشیعه، ج ۲۲، ص ۲۲۲)
۶۰. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ۱۴۱۲ ق، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، ج ۲۰، ص ۱۷۱.
۶۱. قانون مدنی، ماده ۱۱۰۶؛ تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۷۱.
۶۲. قانون مدنی، ماده ۱۱۰۷.
۶۳. ر. ک: تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۸۰.
۶۴. در عقد انقطاع، زن حق نفقه ندارد، مگر اینکه شرط شده یا عقد جنسی بر آن جاری شده باشد. (قانون مدنی، ماده ۱۱۱۳)



۶۵. هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد بود. (قانون مدنی، ماده ۱۱۰۸)
۶۶. نفقه مطلقه رجعیه در زمان عده بر عهده شوهر است مگر اینکه طلاق در حال نشوز واقع شده باشد؛ ولی اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن باشد، زن، حق نفقه ندارد مگر در صورت حمل از شوهر خود که در این صورت تا زمان وضع حمل، حق نفقه خواهد داشت. (قانون مدنی، ماده ۱۱۰۹)
۶۷. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۸۳.
۶۸. قانون مدنی، ماده ۱۱۱۸.
۶۹. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۸۵.
۷۰. تحف العقول، ص ۳۲.
۷۱. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۷۱.
۷۲. همان.
۷۳. همان.
۷۴. قانون مدنی، ماده ۱۰۷۸.
۷۵. همان، ماده ۱۰۸۵؛ تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۶۷.
۷۶. همان، ماده ۱۰۸۶.
۷۷. ر. ک: تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۶۸، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱۲، ص ۷۴.
۷۸. همان، ج ۲۱، ص ۳۳۳.
۷۹. همان، ج ۶، ص ۳۳.
۸۰. همان، ج ۱۲، ص ۸۰ به نقل از فی ظلال، ج ۵، ص ۳۱۸.
۸۱. همان، ج ۱۲، ص ۷۹ به نقل از جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۵۸.
۸۲. گناهان کبیره، شهید دستغیب، ۱۳۶۳، ش، ج ۱، ص ۱۱۷.
۸۳. تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۸۰ به نقل از جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۵۷.
۸۴. همان.
۸۵. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۸۵.
۸۶. قانون مدنی، ماده ۱۲۰۰.
۸۷. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۸۶.
۸۸. قانون مدنی، ماده ۱۱۹۷.
۸۹. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۸۶.
۹۰. همان.
۹۱. قانون مدنی، ماده ۱۱۹۸.
۹۲. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۸۷.
۹۳. قانون مدنی، ماده ۱۲۰۴.
۹۴. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۸۸.
۹۵. قانون مدنی، ماده ۱۱۹۹.
۹۶. حقوق مدنی خانواده، کاتوزیان، ج ۲، ص ۱۵۵.
۹۷. قانون مدنی، ماده ۱۱۰۴.
۹۸. همان، ماده ۱۱۷۸.
۹۹. مستدرک الوسائل، محقق نوری، ۱۴۰۸ ق، مؤسسة آل البیت لاحیاء التراث، ج ۱۲، ص ۲۳۰.
۱۰۰. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۷۶ و به بعد.
۱۰۱. قانون مدنی، ماده ۱۱۷۹.
۱۰۲. قانون مدنی، ماده ۱۱۶۸.



۱۰۳. حقوق مدنی خانواده. کاتوزیان، ج ۲، ص ۱۴۱ - ۱۴۲.
۱۰۴. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۷۹.
۱۰۵. قانون مدنی، ماده ۱۱۶۹.
۱۰۶. همان، ماده ۱۱۷۰.
۱۰۷. همان، ماده ۱۱۷۱.
۱۰۸. همان، ماده ۱۱۷۲.
۱۰۹. حقوق مدنی زوجین، ص ۲۲۶.
۱۱۰. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۸۰.
۱۱۱. همان، ص ۲۷۸.
۱۱۲. قانون مدنی، ماده ۱۱۷۶.
۱۱۳. حقوق مدنی زوجین، ص ۱۱۳.
۱۱۴. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۷۸.
۱۱۵. همان.
۱۱۶. همان، ص ۲۷۹.
۱۱۷. ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۳۲ - ۱۳۵.
۱۱۸. روضة الواعظین، الفتال النیسابوری، منشورات الرضی، قم، ص ۳۶۹.
۱۱۹. میزان الحکمة، ج ۱۴، حدیث ۲۲۷۳۴.
۱۲۰. همان، حدیث ۲۲۷۳۷.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی